



تقدیم به پیشگاه با عظمت شریک و
همتای قرآن، مترجم، مفسر، بیانگر حقیقی و
احیاگر کتاب خدا؛ پیشواییں که در غیاب
او مصدف الهی با احکام و دستوراتش به
دست فراموشی سپرده شده است.
و به امید اینکه با ظهورش قرآن را قرانت
کند و آنرا همان کونه که نازل شده به
مردم تعلیم نماید.

تقدیم بررسی ترور در قرآن کریم

تألیف:

روح الله فضل الله



نقد و بررسی ترور در قرآن کریم

تألیف: روح الله فیض‌اللهی

ناشر: دانشگاه امام صادق (ع)

طرح جلد: گلزار حسامی

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ اول: ۱۳۸۹

چاپ و صحافی: زلال کوثر

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۷۴-۲۴-۱

ISBN: 978-600-5574-24-1

حق چاپ و نشر محفوظ است.

تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)، ص.ب، ۱۴۶۵۵-۱۵۹ تلفن: ۸۸۳۷۰۱۴۲

سرشناسه: فیض‌اللهی، روح الله. -۱۳۸۳-

عنوان و نام پدیدآور: نقد و بررسی ترور در قرآن کریم /تألیف روح الله فیض‌اللهی

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۲۴۵ ص، ۱۴۵×۲۱۰ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۷۴-۲۴-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابخانه: ص. ۲۲۵-۲۳۳

موضوع: خشونت — جنبه های مذهبی — اسلام

شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق(ع)

رد پندتی کنگره: ۱۳۸۸ ف. ۲/۹۷/۸۹

رد پندتی دیوبیو: ۱۵۹ ۱۹۷

شماره کتابخانه ملی: ۳۹۱ ۶۲۳۰

۱۱.....	سخن ناشر.....
۱۵.....	مقدمه

فصل اول: بررسی مفہومی

۲۵.....	کلیات.....
۲۶.....	۱. سیر تاریخی
۲۸.....	۲. مفہوم سیاسی
۳۲.....	۳. رویکرد اجتماعی
۳۲.....	۴. رویکرد حقوقی
۳۵.....	۵ . معادل واژه تروریسم در فرهنگ و حقوق اسلامی
۳۶.....	جمع بندی

فصل دوم: مبانی سیاست قرآنی و سیاست مدن

۴۱.....	کلیات.....
۴۱.....	۱. مبانی سیاست اسلامی
۴۱.....	۱-۱. غایت و اهداف دولت اسلامی
۴۳.....	۲-۱. اخلاق مداری وجه ممیزه در روش سیاست اسلامی

۶ □ نقد و بررسی ترور در قرآن کریم

۱-۳. موارد رعایت اخلاقیات در سیاست اسلامی.....	۴۶
۲. مبانی سیاست سکولار مدرن.....	۵۱
۱-۱. جایگاه اخلاق در تمدن مدرن	۵۱
۲-۲. آراء ماقبلی زیر بنای سیاست مدرن.....	۵۳
جمع بندی	۵۶

فصل سوم: رویکرد قرآن کریم به خشونت

کلیات.....	۵۹
۱. تعریف خشونت و مغالطه عام و خاص	۵۹
۲. جایگاه خشونت (به معنای عام) در دین اسلام	۶۲
جمع بندی	۷۳

فصل چهارم: تحلیل کلید واہکان قرآنی

کلیات.....	۷۷
۱. حرب و محارب	۷۸
۲. قتل و قتال	۷۹
۳. جهاد	۸۰
۴. سفك دم	۸۲
۵. ظلم	۸۲
۶. فساد و مفسد	۸۴
۷. فتنه	۸۶
۸. بغض	۸۷
۹. تعدی	۹۰
۱۰. شتنان	۹۲

۷ □ فهرست مطالب

۹۲.....	۱۱. شقاق
۹۳.....	۱۲. جرم
۹۴.....	۱۳. عشو
۹۴.....	۱۴. عصیان
۹۵.....	۱۵. طغیان
۹۶.....	۱۶. ارهاب
۹۷.....	۱۷. رعب
۹۸.....	جمع بندی

فصل هجتم: تحلیل اصطلاحی

۱۰۱.....	کلیات
۱۰۱.....	۱. واژه‌های بدون بار ارزشی
۱۰۲.....	۱-۱. قتل - قتال و ترور
۱۰۳.....	۱-۲. حرب و ترور
۱۰۴.....	۲. واژه‌های دارای بار ارزشی منفی
۱۰۴.....	۲-۱. محارب و تروریست
۱۰۵.....	۲-۲. باغی و ترور
۱۰۷.....	۲-۳. فساد فی الارض و ترور
۱۰۸.....	۴-۱. ظلم و ترور
۱۰۹.....	۵-۱. تعذی و ترور
۱۰۹.....	۶-۱. سفك دم و ترور
۱۱۰.....	۷-۲. فتنه و ترور
۱۱۰.....	۸-۲. جرم و ترور
۱۱۱.....	۹-۲. عشو و ترور
۱۱۱.....	۱۰-۲. طغیان - عصیان و ترور

۸ نقد و بررسی ترور در قرآن کریم

۱۱۱.....	۱۱-۲
۱۱۱.....	۱۲-۲
۱۱۳.....	۳
۱۱۴.....	۳
۱۱۴.....	۲-۳
۱۱۷.....	۳
۱۲۰.....	۳
۱۲۴.....	۳
۱۲۵.....	۶-۳
۱۳۰.....	۳
۱۴۲.....	۳
۱۴۴.....	جمعی بندی

فصل ششم: برداشت‌های اخراجی از قرآن کریم درباره خونت

۱۰۱.....	کلیات
۱۰۲.....	۱. برداشت خوارج
۱۰۳.....	اول. برداشت نادرست از بحث امامت
۱۰۵.....	دوم. تکفیر همه مسلمانان و مهدوی الدم دانستن آنها
۱۰۶.....	سوم. لزوم قیام با شمشیر در همه شرایط
۱۰۹.....	۲. برداشت ابن تیمیه حرانی و محمد بن عبدالوهاب
۱۷۳.....	۳. گروههای سلفی تکفیری
۱۸۰.....	جمعی بندی

فصل هفتم: تحلیل و بررسی علمات‌های انتشاری

۱۸۳.....	کلیات
۱۸۳.....	۱. تاریخچه عملیات‌های انتشاری و تعریف آن
۱۹۰.....	۲. دیدگاه‌های فقها و اندیشمندان اسلامی
۲۰۳.....	۳. تحلیل فقهی
۲۱۲.....	جمعیت بندی
۲۱۵.....	نتیجه گیری
۲۲۳.....	فهرست منابع و مأخذ
۲۲۳.....	الف - کتابها
۲۲۰.....	ب - نشریات و اینترنت
۲۲۳.....	نمایه آیات و روایات

سخن ناشر

تربیت اسلامی، مرجعیت علمی

«کاری کنیا، که دانشگاه امام صادق(ع) ... مرجع تحقیقات مراکز علمی و دانشگاه‌های دنیا بشود» مقام معظم رهبری^۱ فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق(ع) که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته است، تربیت نیروی انسانی‌ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در عرصه نظر و عمل به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد زیرا که علم بدون ترکیه پیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متاثر و دگرگون می‌سازد. از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهرمندی از نتایج آن‌هاست. از این منظر پیشگامان عرصه

۱. از بیانات مقام معظم رهبری در ملاقات اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق(ع) مورخ

علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق(ع) درواقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که «ربع قرن» تجربه شده و هم اکنون ثمرات نیکوی این شجره طبیه در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران این نهاد است که امید می‌رود در طبیعه دور جدید فعالیتش بتواند به توسعه و تقویت آن‌ها در پرتو عنایات حضرت حق تعالی، اهتمام ورزد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق(ع) با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در سال جاری و به بهانه ۲۵ سال دانشگاه امام صادق(ع) در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد.

هدف از این اقدام ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند، درک کاستی‌ها و اصلاح آن‌ها زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق را نیز فراهم خواهد کرد.

امید آنکه با گسترش کمی و کیفی دانشگاه‌های اسلامی در کشور و توسعه آن‌ها در افقی جهانی، شاهد ظهور انوار «علم مفیدی» باشیم که راه‌گشای جهانیان در گذار از شرایط کنونی برای نیل به سعادت واقعی باشد.

سخن ناشر □ ۱۳

در این راستا انتشارات دانشگاه امام صادق(ع) آمادگی کامل خود را برای دریافت و انتشار کلیه آثاری که با این هدف تهیه و تولید شده‌اند- اعم از منظرهای انتقادی، تحلیلی، توصیفی و کاربردی- اعلام می‌دارد.

معاونت پژوهشی دانشگاه

مقدمه

تروریسم، یکی از مهمترین مسائل و مشکلات کنونی است و صدها سمینار و کنفرانس، برای شناختن و بررسی علل و ریشه‌های آن و روش‌های جلوگیری از آن، در دنیا تشکیل شده و هزاران کتاب برای پژوهش درباره آن، از دیدگاه‌های گوناگون و در زمینه‌های مختلف، مانند جامعه‌شناسی، سیاسی، حقوقی، مذهبی و اخلاقی منتشر گردیده است. چنین معضلاتی همواره به صورت‌های مختلف در جوامع بشری وجود داشته است. در این میان مسئله ما این است که این معضل در سال‌های اخیر، از طرف رسانه‌ها و سیاستمداران غربی، به اسلام نسبت داده شده است. وسعت این تبلیغات به حدی است که اگر از بسیاری از مردم این کشورها پرسیده شود که اولین چیزی که در ارتباط با واژه «اسلام» به ذهن شما متادر می‌شود چیست؟ پاسخ خواهند داد: «تروریسم».

برخلاف سایر ادیان، اسلام مرتبًا در گزارش‌های خبری و مقالات با خشونت پیوند زده می‌شود. وقتی پیروان سایر ادیان دست به اعمال جنایت کارانه می‌زنند، هویت مذهبی آنها مورد توجه قرار نمی‌گیرد و در گزارشات خبری هرگز گفته نمی‌شود که قتل عام آلبانی‌تبارهای کوززو به دست صرب‌های ارتدوکس شرقی صورت می‌گیرد و یا قتل عام برمه‌ای‌ها، تقصیر بودایی‌ها است و یا نسل کشی در فلسطین کار یهودیان است مگر زمانی که خطایی از جانب مسلمانان صورت گیرد که در این صورت تأکید

بر مذهب فرد خاطری است. مسیحیان بی رحم مایه بی اعتباری مسیحیت تلقی نمی شوند اما اگر مسلمانی مرتكب اعمال خشونت آمیز شود، به عنوان مصادقی از تهدید اسلام، اعلام می شود.

این چنین برخورد دوگانه موجب تقویت تفکری خصم‌انه درباره اسلام است که چهره آنرا زشت و مهیب جلوه داده است. در نتیجه این سؤال مهم درباره دین اسلام مطرح می شود که آیا به راستی اسلام دین ترور است و خشونت را به پیروان خود بعنوان روش معرفی می کند؟ برای یافتن پاسخ این سؤال مهم لازم است که به متون اولیه و اصیل اسلام یعنی قرآن و آنچه که در ارتباط با سنت مخصوصین (علیهم السلام) وجود دارد مراجعه کرد و با دید کشف حقیقت و صرف نظر از هرگونه نظرات دیگران و تبلیغات، پاسخ این سؤال را پیدا کرد و برشاشت واقعی را بدون ترس و خودباختگی در برابر فرهنگ غرب معرفی نموده.

تصویر برخی این است که هر آنچه در گفتمان رایج، بد و زشت خوانده می شود را باید مستند به گزاره های دینی نفی کرد و هر آنچه بعنوان خوب شناسانده می شود را باید مستند به آیات و سیره تایید نمود. حال آن که اسلام در این خصوص پیرو خواست دیگران نبوده و دارای دیدگاه مستقل می باشد. لذا باید در پی فهم آن و تنظیم سیاست ها بر اساس آن ها بود.

نکته دیگری که در یک تحقیق علمی باید درنظر داشت، این است که واژه هایی مانند ترور با معنایی که از آن درنظر عموم مردم تداعی می شود، همانند واژه های قتل و جنایت و ضرب و شتم، دارای بار منفی عاطفی است. این گونه واژه ها درنظر مردم، از مقاومتی حکایت می کند که از اول محکوم و مردود شناخته شده اند و همگان به دنبال نفی آن ها می باشند. طبیعی است که استفاده مبهم و ابزاری از این واژه ها، با دست کاری کردن در تعاریف و شانتاز های تبلیغاتی و مغالطه کاری، بهترین روش برای تحریک عواطف توده مردم است. زیرا توده مردم به سبب عدم ممارست با مطالب دقیق علمی و تجزیه و تحلیل مسائل و از طرفی داشتن عواطف قوی، در معرض چنین

سوء استفاده‌هایی قرار دارند. طبیعی است که از کسانی که با نقد و تحلیل مبانی علمی آشنایی دارند، انتظار می‌رود که مباحث علمی را به دور از عواطف و مسائل حاشیه‌ای بررسی کنند.

روش تحقیق درکتاب حاضر مبتنی بر اصول و مبانی‌ای است که قصد

دارد نظر قرآن کریم را درباره ترور جویا شود:

اولاً- ظواهر قرآن قابل استناد و برای احکام حجت می‌باشند(منظور از ظواهر الفاظ قرآن، ظهور ابتدایی آن‌هاست. معنایی که با دیدن یا شنیدن لفظ بی‌درنگ به ذهن راه می‌یابد) و آیاتی از قبیل «اَفْلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ»(سوره نساء/آیه ۸۲)، دستوری است برای بهره‌برداری از قرآن و روایات زیادی هم بر این دلالت می‌کند که قرآن معیار احادیث است و ائمه (علیهم السلام) یاران خود را به استنباط از قرآن کریم سوق داده‌اند. چرا که قرآن کتابی است که برای هدایت انسان‌ها نازل شده است و باید برای داشتن یک زندگی متعالی و سعادتمند به آن مواجهه کرد.

ثانیاً- رجوع به قرآن و دریافت پیام‌ها و احکام آن دارای ضوابطی است و هر کسی نمی‌تواند آن را تفسیر کند و به استخراج احکام آن پیردازد. قرآن کلام پروردگار متعال و تجلی ذات و صفات اوست و تردیدی نیست که باید بین کتاب و مفسر آن تناسب و سنتیت باشد و فهم مقام بلند کتاب خدا با توان علمی انسان‌های عادی ساخته نیست و لذا فهم آن مربوط به کسانی است که با آن سنتیت دارند و آن‌ها حضرات موصومین (علیهم السلام) هستند. همان‌طور که قرآن می‌فرماید: «اَنَّهُ لِقُرْآنٍ كَرِيمٍ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ لَا يَمْسِهُ الْمَطْهَرُونَ» (سوره واقعه/ آیه ۷۶ - ۷۷) و در جای دیگر(آیه تطهیر) مطهر شدگان را اهل بیت(علیهم السلام) معرفی می‌نماید. در روایاتی هم آمده است که تفسیر قرآن جز با روایات صحیح و بیان صریح موصومین جایز نیست. (حر عاملی، ۱۴۰۱: ۱۵۱) در طول تاریخ ضریبه‌های سختی بر اسلام از این جهت

وارد آمده است که افرادی نا آشنا با این تصور باطل که آن‌ها می‌توانند درباره قرآن با فهم قاصرشان اظهار نظر کنند، به استباط از آیات مبادرت ورزیدند.
 ثالثاً- با در نظر گرفتن دو مقدمه فوق، مشخص می‌شود باید به قرآن مراجعه کرد اما نه به هر شکلی بلکه قرآنی که توسط معصومین (علیهم السلام) تبیین گردیده است و باید از تفسیر به رای و برداشت‌های سطحی و ناآگاهانه از قرآن خودداری کرد.

رابعاً- برای فهم معانی قرآن کریم، منابعی به قرار زیر وجود دارد:
 اول: قرآن کریم. نخستین و مهم ترین منبع تفسیر است. منبع بودن قرآن علاوه بر آن که متضای روش عقلایی محاوره است. در آیات و روایات هم بر آن تاکیده شده است و معصومین در تفسیر قرآن از قرآن استفاده کرده‌اند. گونه‌های مختلف منع قرار گرفتن قرآن مانند: توجه به سیاق آیات، محدود شدن زمانی (نسخ)، محدود شدن غیر زمانی (تحصیص و تقیید)، فهم نکته جدید از مجموعه دو آیه، دستیابی به تبیین جامع و حل تعارض ظاهری آیات و

دوم: روایات معصومین: پس از قرآن، روایات مهم ترین منبع فهم قرآن به شمار می‌آیند چرا که قرآن پیامبر (علیهم السلام) را مسئول تبیین آن برای مردم معرفی می‌کند: «و انزلنا اليك الذكر لتبين للناس ما نزل اليهم» (سوره نحل آیه ۴۴) بر این اساس، مردم از بیان‌های ایشان در شرح یا تفسیر یا رفع اجمال یا تقیید و تحصیص و سایر موارد استفاده می‌کنند.

روایات از جنبه‌های مختلف قرآن را تبیین می‌نمایند. برخی از آن‌ها عهددار فهم معانی واژگان هستند و برخی دیگر توضیحات بیشتری را ارائه می‌کنند که به فهم آیه کمک می‌کنند. در دسته دیگری از روایات از معانی یا مصاديق برای آیات مشکل سخن به میان آمده که استفاده آن معانی از آیه، یا انصباط آیه بر آن مصاديق روشن نیست و یا از مصاديقی است که در زمان بیان آن در روایات، هنوز واقع نشده و به این جهت پوشیده است. در تحقیق

حاضر در مواردی مانند تعیین مصادیق «محارب» و یا «تعدى» از روایات استفاده گردیده است.

سوم: منابع لغوی: مقصود از منابع لغوی، هرگونه منبعی است که ما را در فهم معنا و کاربرد واژگان قرآن در زمان نزول یاری می‌دهد. بر این اساس قرآن مجید، روایات، فرهنگ عامه مردم در دوران نزول، همه از منابع لغوی تفسیر به شمار می‌آیند. به این معنا که با مراجعه به آن‌ها، معانی و کاربردهای واژه‌های قرآنی در عصر نزول روشن می‌گردد. این مطالب در کتاب‌هایی مانند مفردات الفاظ قرآن، لسان العرب، اقرب الموارد و گردآوری شده‌اند که در این تحقیق برای رسیدن به مقصود مورد استناد قرار گرفته‌اند.

چهارم: آراء مفسران، که برخاسته از اجتهاد و استنباط آن‌ها در فهم آیات قرآن است و اعتبار مطلق ندارد و نمی‌توان آنرا همیشه مبنای تفسیر قرار دارد اما در عین حال می‌توان از ادله و شواهدی که مفسران برای نظر خود ذکر کرده‌اند در چارچوب منابع سه گانه بالا استفاده نمود.

پنجم: عقل: مراد از عقل به عنوان منبع، نیرویی است که در هر انسانی به ودیعت نهاده شده و مجموعه اصول کلی هستی شناختی، ارزش شناختی و استلزمات بی‌واسطه آن‌ها را که بدیهی یا نزدیک به بدیهی می‌باشند، در اختیار انسان قرار می‌دهد. بدیهیات عقلی و برهان‌های قطعی برگرفته از آن‌ها از قرایین متصل آیات به شمار می‌آیند و عقل به معنای یاد شده این قرایین را در اختیار قرار می‌دهد. نقش عقل به این مفهوم در فهم و تفسیر قرآن در چند محور متصور است که مهم‌ترین آن‌ها نقش فهم کلام است، راههایی که عقلاً برای فهم کلام از آن بهره می‌برند. عقل در اینجا نقش ابزاری دارد، یا به تعبیر دیگر، متمم منابع دیگر است. این نقش عقل را می‌توان مصدق تدبیر در قرآن دانست. یعنی عقل با استفاده از لغت، آیات و روایت‌ها (قرایین پیوسته و ناپیوسته کلام) به کشف مجھولات خود از آیه می‌پردازد و با کاوش و استدلال به فهم مراد خداوند از آیه دست می‌باید. با توجه به اینکه دریافت‌های قطعی عقل چندان زیاد نیست، عمده‌ترین نقش عقل را باید

تحلیل داده‌های منابع دیگر دانست. نکته‌ای که بیان شد همان اجتهاد و کاوش عقلی برای فهم معارف قرآن و تفسیر آیه‌های است. کاری که از دیر باز تاکنون مورد استفاده اکثر مفسران بوده است.

با جمع بندی مطالب یاد شده در این تحقیق در قالب روش اجتهادی (تجزی) تلاش شده است در چارچوب منطق دینی، آیات الهی و تفاسیر ارایه شده از سوی معصومین، دیدگاه قرآن استنتاج و معرفی گردد. برای این منظور، علاوه بر قرآن کریم، تفاسیر مرجع و روایت معصومین، مستند مورد بحث قرار گرفته‌اند تا برداشت ارائه شده در این چارچوب باشد.

سیره معصومین و روایات وارد شده از آن‌ها بحث‌های گسترده‌ای در ارتباط با ترور دارد که در این تحقیق جز در موارد ضرورت مورد استناد قرار نگرفته‌اند و محور این تحقیق قرآن کریم است و سنت معصومین خود تحقیق جداگانه‌ای را می‌طلبند.

این کتاب در هفت فصل تدوین گردیده است که فصل اول آن به روشن شدن تعریف ترور اختصاص دارد. اساساً در حوزه علوم انسانی، با توجه به گسترده‌گی و تشت آراء و ارائه نظرات و تعاریف متعدد از هر پدیده، همواره مشکل اول در تحقیق ارائه تعریف است و از این رو لازم شده است که یک فصل برای تعریف ترور، اختصاص داده شود. تا در حد امکان تعاریف مختلف از افراد و شخصیت‌ها و تفکرات و همه جهت‌گیری‌های مذهبی و سیاسی آورده شود و با درنظر گرفتن مجموع آن‌ها، ذهنیت ما از ترور شکل بگیرد. چرا که بعدها این اشکال به وجود خواهد آمد که این تعریف در نظر گرفته شده، تعریف طیف خاصی است و در این صورت محل مناقشه خواهد بود. برای رفع این نقصه سعی شده است که تعاریف متنوعی جمع‌آوری شود و یک قدر متیقн و مشترک بین آنها در نظر گرفته شود، اگر چه ممکن است باز هم این تعریف جامع و مانع و خالی از اشکال نباشد.

این تحقیق از یک سو با مراجعه و برداشت مستقیم از آیات قرآن سعی در روشن کردن پاسخ سوال تحقیق دارد و از سوی دیگر با استناد به شواهد و قرائتی که در حکم مبانی و روح کلی حاکم بر گفتمان قرآن هستند موضوع جزیی ترور را مورد بررسی قرار می‌دهد. بر همین اساس در فصل دوم مبانی سیاست قرآنی ترسیم گردیده است و با مبانی سیاست رایج مقایسه شده تا روشن شود که مبنای مورد نظر قرآن با ترویریسم سازگار است یا نه؟

مرحله بعد، فهم رویکرد کلی ابعاد اسلام نسبت به خشونت است. این موضوع نه فقط از جهت بررسی «خشونت سیاسی» بلکه رویکرد اسلام به خشونت در همه ابعاد آن است و ادبیات و لحن قرآن کریم و سیاق آیات را از این جنبه بررسی می‌کند.

پس از ترسیم این دو مبحث کلی در ابتدای مباحث، در فصل چهارم، به سراغ متن قرآن کریم می‌رویم تا بتوان مفهوم مورد نظر را با ادبیات و الفاظ قرآنی فهم کرد. برای رسیدن به این مقصود، باید الفاظ مورد نظر و معانی آن‌ها را شناخت و با استفاده از علم لغت، بتوان ریشه و موارد کاربرد و مشتقات این کلمات را دریافت که پس از بررسی کامل معجم الفاظ قرآن کریم و تأمل در همه واژه‌های آن، ۱۷ واژه که به نوعی با عناصر زور، ایجاد وحشت، مبارزه، تجاوز، دشمنی و خونریزی و ارتعاب، نزدیک هستند و احتمال دارد که با ایده ترور نسبت پیدا کنند؛ انتخاب و مورد تجزیه و تحلیل لغوی قرار گرفته‌اند. اگرچه برخی از این واژه‌ها به ظاهر با بحث ما ارتباط مستقیم پیدا نمی‌کنند، اما از آنجا که مستشرقان و تحلیل‌گران معمولاً با استناد ناقص به این آیات و واژگان نسبت به تایید کامل ترور از ناحیه اسلام، حکم صادر کرده اند لازم می‌آید تا همه آن‌ها بررسی و عدم صحت این ادعاهای روشن گردد.

در فصل پنجم، پس از بررسی و تجزیه و تحلیل، میزان ارتباط هر یک از این واژه‌ها با بحث ما یعنی ترور، مورد شناسایی قرار خواهد گرفت؛ تا در

پایان این فصل واژه‌های مربوط به بحث جدا شده و آیاتی که این واژه‌ها در آن‌ها به کار رفته است مورد بررسی قرار گیرد. شیوه ما برای فهم رویکرد قرآن به ترور، در دو مرحله پیگیری می‌شود. اول اینکه مشخص شود هر یک از این واژه‌های انتخاب شده که ارتباط مفهومی با ترور دارند، در ادبیات قرآن کریم، دارای بار ارزشی مثبت هستند یا منفی؟ فهم این موضوع مشخص خواهد کرد که رویکرد کلی قرآن به ترور مثبت است یا منفی. و در گام دوم، آیات مربوط با ترور را باید تحلیل کرد تا به یک جمع‌بندی نهایی در این باره رسید.

در فصول ششم و هفتم هم به دو مورد از مسائل مهم روز اشاره شده است. مورد اول وجود گروه‌های مسلمانی است که با اعمال خشونت و ترور بهانه ارائه چهره موهن را از اسلام فراهم کرده‌اند و در این فصل ریشه‌ها و نوع برداشت آن‌ها از اسلام بررسی شده است و فصل هفتم هم به عملیات‌های انتخاری اختصاص دارد.

در پایان لازم است از معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع) که با تصویب طرح توسعه مطالعات قرآنی، زمینه انجام این مطالعه را فراهم ساختند و خصوصاً استاد فاضل جناب دکتر اصغر افتخاری که با راهنمایی‌ها و نظرات ارزشمندانشان، بنده را در پیشبرد تحقیق یاری رساندند، تشکر و قدردانی نمایم و همچنین از پدر و مادر و همسرم که با فدایکاری هایشان فرصت پرداختن به این تحقیق را برای من به وجود آورده‌اند سپاسگذارم. امیدوارم که این اثر ناچیز در جهت روشن شدن واقعیت و شناخت قطه کوچکی از دریایی بی کران معارف قرآن و رفع شباهات موجود، مورد استفاده قرار بگیرد.

اللهم احینی و امتنی علی الكتاب والسنن

روح الله فيض الله - بهار ۱۳۸۹

فصل اول

بررسی مفہومی

کلیات

«تُرور» (Terror) و «تُروریسم» (Terrorism) از واژه‌هایی است که از فرهنگ و ادبیات غرب وارد مجموعه واژگان زبان فارسی شده است. از آنجا که خاستگاه این واژه غرب است و در آنجا دارای بستر تاریخی خاص و بعادر مختلف است، تا زمانی که ریشه‌ها و جنبه‌های آن روشن نشود و موضوع شناسی دقیقی از آن صورت نپذیرد، نمی‌توان وارد بحث اصلی شد.

در باره تُروریسم و مشتقات آن، مباحث و تعاریف متعددی ذکر شده است. صرف نظر از بررسی دیدگاه حقوق دانان و قانون‌گذاران در باره این واژه، می‌توان در فرهنگ‌های لغت، ادبی و یا سیاسی و همچنین در کلام سیاستمداران و صاحب نظران نیز، تعاریف چندی را بدست آورد.

در فرهنگ انگلیسی - فارسی آمده است که تُرور به معنی «ترس شدید و وحشت» و تُروریسم یعنی «عقیده به لزوم آدم کشی و قتل نفس و تهدید و ایجاد وحشت در میان مردم» است (دلاوری، ۱۳۷۸: ۳۷۶). البته این احسان ترس و هراس از هر چیزی ممکن است ناشی شود اما آنچه در این زمینه مورد نظر می‌باشد، خشونت‌های سیستماتیک است که گروهی از افراد را همواره در حالت رعب و وحشت نگه داشته است.

در فرهنگ دهخدا آمده است که «ترور مأخوذ از فرانسه و به معنی قتل سیاسی به وسیله اسلحه است و در فارسی متداول شده است. این کلمه در فرانسه به معنی وحشت و خوف آمده است و تروریست به شخصی اطلاق می‌شود که با اسلحه مرتکب قتل سیاسی بشود. تروریسم در زبان فارسی به اصلی گفته می‌شود که در آن از قتل‌های سیاسی و ترور دفاع گردد» (دهخدا، ۱۳۴۳: ۶۳۶). در برخی از فرهنگ‌های فارسی تروریسم، روش کسانی معرفی شده است که «آدم کشی و تهدید مردم و ایجاد خوف و وحشت را به هر طریق که باشد برای رسیدن به اهداف خود، لازم دانسته‌اند» (عمید، ۱۳۵۷: ۵۶۹). در مورد رابطه میان دو واژه ترور و تروریسم هم نظراتی مطرح شده است، اما ظاهرا تفاوتی میان آن‌ها نیست مگر به جهت این‌که تروریسم حالت سازماندهی شده مکتب شده و روش‌مند شده همان ترور است.

۱. سیر تاریخی

شاید شکل‌گیری مفهوم ترور هم زمان با تشکیل حکومت و دولت در تاریخ باشد، متنها شکل آن در مسیر تاریخ تغییر پیدا کرده است. در شکل سنتی انگیزه ترور بیشتر فردی بوده است؛ یعنی فرد به منظور ارضای نیاز و برای دست یابی به مقاصدش دست به ترور می‌زند. از زمان شکل‌گیری دولت - ملت‌ها در اروپا یعنی از عصر رنسانس و از قرن شانزدهم به بعد، ترور تا حد زیادی در مجموعه واژگان سیاسی شکل گرفت و از حالت فردی خارج شد و شکل گروهی به خود گرفت.

این شکل گروهی باعث شد که ترور به عنوان یک ایدئولوژی و جهان‌بینی مطرح شود و افراد و گروه‌ها برای رسیدن به مقاصد سیاسی اقدام به ترور کنند. این معانی در انقلاب کبیر فرانسه با تأسیس اولین کمیته ملی در ۶ آوریل ۱۷۹۴ مفهوم عمیق‌تری یافت. در طی سال‌هایی که مشهور به

دوران وحشت فرانسه است، گروه گروه مردم را به اتهام ضد انقلاب بودن با گیوتین گردن زدند و هواداران هر جماعت سیاسی از قتل و غارت و آتش زدن و خونریزی ابایی نداشتند. لذا این دوره را تاریخ فرانسه و اروپا به عنوان «دوره وحشت و ترور» ثبت کرده است. زیرا مردم در وحشتی عظیم و پایان ناپذیر زندگی می‌کردند (پری، ۱۳۷۷: ۶۱۸). در قرن گذشته، جهان شاهد مرحله دیگری از شکل‌گیری تروریسم بود که از آن به «تروریسم دولتی» یاد می‌شود. در تروریسم دولتی، دولت‌ها هدایت ترور را بر عهده می‌گیرند و برای انجام آن سازمان‌هایی در نظر گرفته و هزینه‌های آنرا تأمین می‌کنند و به افراد تعليمات نظامی می‌دهند و آن‌ها را در درون جامعه و بیرون جامعه هدایت می‌کنند. شکل دیگری از تروریسم دولتی که امروز بسیار رایج است، این است که یک دولت با استفاده از قدرت اقتصادی، سیاسی، نظامی و قضایی رعب و وحشت ایجاد نماید تا این طریق بر کشورها یا سازمان‌های مورد نظر فشار وارد سازد تا آن‌ها را بر انجام دادن یا جلوگیری از عملی وادار سازد.

حملات تروریستی به برج‌های تجارت جهانی آمریکا و ساختمان پنتاگون که با استفاده از آخرین فناوری‌های روز در آغاز هزاره سوم به وقوع پیوست. آخرین مرحله از شکل‌گیری تروریسم یعنی «تروریسم بین‌المللی» را به نمایش گذاشت. این مفهوم از تروریسم شکل گستردۀ تری از فعالیت سازمان‌هایی است که در مقیاس جهانی و به تبع حرکت سریع و رو به رشد مقوله «جهانی سازی» شکل گرفته است (هادویان، ۱۳۸۱: ۳۲).

قبل از حادثه ۱۱ سپتامبر، ترور و تروریسم اعم از تروریسم دولتی، به روشن حکومت‌هایی اطلاق می‌شد که از راه ایجاد ترس و وحشت و حذف فیزیکی مخالفان خود می‌خواهند به اهداف سیاسی‌شان - که همان بقا و دوام حکومت است - برسند، یا تروریسم غیر دولتی که شامل افراد، سازمان‌ها، احزاب یا گروه‌های چریکی و شبه نظامی هستند که از راه ایجاد ترس و

وحشت و حذف فیزیکی افراد، برای نفی مشروعيت نظام حاکم تلاش می‌کنند، این مفاهیم در بعد ملی و منطقه‌ای مورد استفاده قرار می‌گرفت، ولی امروزه به ویژه بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، تروریسم به عنوان یک عملکرد و شکرده خشونت آمیز سیاسی در روابط بین‌المللی محسوب می‌شود.

در دنیای امروز به واسطه اینکه در مورد تعریف تروریسم، اجماع نظر وجود ندارد؛ لذا اطلاق عنوان تروریسم به گروهی خاص محل مناقشه قرار می‌گیرد (جی بدی، ۱۳۷۸: ۲۴۹). به علاوه مصادیق تروریسم نیز مناقشه برانگیز شده است. به طوری که برخی از گروه‌ها و افراد، زمانی به عنوان تروریسم و زمانی دیگر به عنوان جنبش آزادی خواه شناخته می‌شوند، یا بالعکس. نمونه بارز آنرا می‌توان در رفتار کاخ سفید در قبال «مجاهدین افغانی» دید. تا زمانی که آن‌ها علیه ارتش سرخ شوروی می‌جنگیدند، به مثابه مبارزان راه آزادی قلمداد می‌شدند، ولی وقتی علیه منافع آمریکا اقدام کردند به عنوان گروه‌های تروریستی تحت تعقیب و مورد هدف قرار گرفتند. مثال بارز دیگر قضاوت‌های متضادی است که از سوی جوامع اسلامی و غربی در خصوص عملکرد فلسطینیان و صهیونیست‌ها در سرزمین‌های اشغالی ارائه می‌شود (دیلمی معزی، ۱۳۸۷: ۲۰).

۲. مفهوم سیاسی

گروه‌های سیاسی غالباً با رفتاری وحشتزا در پی متوجه ساختن افکار عمومی به خود و اعلام نظریات و خواسته‌هایشان به دولت‌ها هستند. از این رو پدیده‌های تروریستی در دل خود، پیام‌های سیاسی در بر دارند. جامعه شناسان و متخصصان علوم سیاسی نیز درباره تبیین مفهوم تروریسم و ترور، تلاش‌های فراوانی نموده‌اند. با این حال تروریسم به عنوان

یک پدیده در عالم سیاست، هنوز تعریف شخص و مورد اجماعی ندارد و هر کس براساس دیدگاه و منافع خود آنرا تعریف می‌کند.

«الکس اشمیت» در اثر خود به نام «راهنمای تحقیق درباره مفاهیم، نظریه‌ها، اطلاعات پایه و تأثیرات پایه در باب تروریسم سیاسی» به کمک گروه‌های تحقیقاتی، بیش از یکصد تعریف را درباره تروریسم مطرح کرده است. برخی از نویسنده‌گان این تعریف را نتیجه بررسی‌های گسترده‌ای در این زمینه می‌دانند: «تروریسم شیوه اقدامات تکراری به منظور ایجاد دلهره و رعب و وحشت است که به دلایل سلیقه ورزی جنایی یا سیاسی، توسط گروه‌های مختلف به کار گرفته می‌شود» (جی بدی، ۱۳۷۸: ۲۴۹). علاوه بر این، در فرهنگ‌های علوم سیاسی نیز تعاریف متعدد ذیل درباره تروریسم آمده است:

۱-۱. تروریسم به رفتار و اعمال فرد و یا گروهی اطلاق می‌شود که از راه ایجاد ترس و وحشت و به کار بستن زور می‌خواهند به اهداف سیاسی خود برسند. همچنین کارهای خشونت‌آمیز و غیر قانونی حکومت‌ها برای سرکوبی مخالفان خود و ترساندن آن‌ها نیز در ردیف تروریسم قرار دارد که از آن به تروریسم دولتی یاد می‌شود (علیزاده، ۱۳۷۷: ۲۷۴).

۱-۲. امروزه این کلمه در اصطلاح سیاسی به معنی هر نوع اقدامی جهت پیشبرد اهداف با توصل به ایجاد وحشت به کار می‌رود. تروریسم یعنی عقیده به لزوم آدمکشی و تهدید و ایجاد خوف و وحشت در میان مردم برای نیل به هدف‌های سیاسی یا برانداختن حکومت‌ها. این عقیده معمولاً از ابزارهای اصلی فاشیسم و ماکیاولیسم و مکاتب مشابه می‌باشد (علی بابایی، ۱۳۶۵: ۱۷۸).

۱-۳. ترور در سیاست به کارهای خشونت‌آمیز و غیر قانونی حکومت‌ها برای سرکوبی مخالفان خود و ترساندن انسان‌ها اطلاق می‌شود و نیز اعمال گروه‌های مبارزی که برای رسیدن به اهداف سیاسی خود دست به

کارهای خشونت‌آمیز و هراس انگیز می‌زنند، ترور نامیده می‌شود. از این رو ترور، روش حکومت‌هایی است که با باز داشت و شکنجه و اعدام و انواع آزارهای غیر قانونی از راه پلیس مخفی، مخالفان را سرکوب می‌کنند (آشوری، ۱۳۶۶: ۹۸).

۴-۲. تروریسم فعالیت‌های عاملان دولتی و غیر دولتی است که برای دست یابی به اهداف سیاسی از روش‌ها و وسائل خشونت‌آمیز استفاده می‌کنند. شیوه‌های بکار برده شده از طرف تروریست‌ها عبارت از هواپیما ربایی، گروگان‌گیری، خرابکاری، بمب‌گذاری، آدم ربایی و آدم کشی می‌باشد. سازمان‌های تروریستی نوعاً سعی می‌کنند که از دولت‌ها نیز برای رسیدن به اهداف خود، از اشکال گوناگون تروریسم مانند اعدام‌های وسیع و بازداشت‌های گسترده استفاده می‌کنند (پلینیو و آلتون، ۱۳۷۵: ۲۴۳).

۵-۲. ترور در اصطلاح خاص، به حالت وحشت فوق العاده‌ای اطلاق می‌شود که ناشی از دست زدن به خشونت و قتل و خون‌ریزی از سوی یک گروه، حزب و یا دولت به منظور نیل به هدف‌های سیاسی، کسب یا حفظ قدرت می‌باشد. ترور شخصیت و یا ترور روانی به معنای ترساندن افراد از طریق هدف قراردادن روحیه، حس شهامت و اعتماد آن می‌باشد رژیم ترور نیز به رژیمی می‌گویند که از طریق ایجاد وحشت، تهدید، حبس و کشtar مخالفان خود حکومت می‌کند (آقا بخشی، ۱۳۷۴: ۳۳۶).

۶-۲. حکومت‌های تروریستی به رژیم‌هایی اطلاق می‌شود که با شیوه‌های فاشیستی و از طریق ایجاد رعب و وحشت و کشtar بی‌رحمانه مخالفان خود حکومت می‌کنند. ترور در اصطلاح عام بیشتر به قتل‌های سیاسی گفته می‌شود که البته به معنی واقعی این کلمه نیست ولی کاملاً رواج یافته می‌باشد. تروریسم بین‌المللی نیز اصطلاحی است که به منظور تأمین مقاصد سیاسی در سطح بین‌المللی به کار می‌رود (اطوعی، ۱۳۷۲: ۳۵۶).

۷-۲. واژه تروریسم به معنی استفاده از خشونت به این منظور که نه تنها افراد مورد نظر را هدف قرار می‌دهد، بلکه بتواند بر شیوه رفتاری و عملکردی گروه‌ها، واحدها، سازمان‌ها و احزاب دیگر از طریق ایجاد رعب و هراس از مرگ و آدم‌کشی و جلب توجه تأثیر بگذارد. تروریست‌ها با استفاده از این نوع شیوه‌های خشونتی در صددند که بتوانند بر روابط و چگونگی قدرت اولیای امور، به ویژه اعضای دولت، تأثیر بیشتری بگذارند. همچنین رابطه همکاری‌های بین گروه‌های متفاوت و گوناگون اجتماعی به ویژه رابطه گروه‌های دولتی را بیشتر تحت تأثیر خود قرار دهند.

تروریسم به عنوان عملکرد سیاسی، وابستگی نظری و ایدئولوژیک خاصی ندارد. به عبارت دیگر، گروه‌های چریکی و شبه نظامی، احزاب انقلابی اعم از دست چپی و راست، مذهبی و غیر مذهبی، حکومت‌های توالتی و نیمه دموکراتیک و لیبرالیستی و دیگر نهادهای دولتی و غیر دولتی برای رسیدن به اهداف سیاسی - اجتماعی و مذهبی خود، از تروریسم در مفهوم فیزیکی یا نفی و از بین بردن اندیشه و تفکر ویژه‌ای استفاده می‌کنند. افراد، سازمان‌ها و گروه‌های چریکی و شبه نظامی نیز قادر به انجام این کار هستند (رحیق اغصان، ۱۳۸۴: ۳۸۲).

۸-۲. نوام چامسکی معتقد است: «تروریسم کاربرد ابزار زورگویانه برای هدف قرار دادن مردم غیر نظامی در تلاش برای دستیابی به اهداف سیاسی، مذهبی یا غیره است». وزارت دفاع آمریکا کاربرد یا تهدید به کاربرد غیر قانونی زور یا خشونت توسط یک سازمانی انقلابی، ضد اشخاص یا اموال و به قصد مجبور ساختن یا ارعاب حکومت‌ها یا جوامع که غالباً با اهداف سیاسی و ایدئولوژیک همراه باشد را تروریسم دانسته است.

۹-۲. جک استرا، وزیر امور خارجه وقت دولت انگلیس، در مصاحبه مطبوعاتی خود در تهران، در پاسخ به سوالی تروریسم را این گونه تعریف

می‌کند: «بر طبق تعریف پارلمان ما تروریسم، هرگونه تعقیب اهداف سیاسی از طریق خشونت است» (کیهان، ۴/۷۰: ۸۰). وجه مشترک تمام این تعریف‌ها استفاده از زور و خشونت به منظور رسیدن به اهداف سیاسی است.

۳. رویکرد اجتماعی

آلن بیرو در فرهنگ علوم اجتماعی، تروریسم را این گونه تعریف کرده است:

«تروریسم اعمال ترور به صورتی منظم و سازمان یافته را می‌رساند و ترور به معنای حالت و یا احساس ترس دسته جمعی است که خشونت و کشتار بی‌حساب، موحد آن است. تروریسم نه فقط با استفاده از وسایلی که می‌تواند زندگی و امنیت افراد را مورد سوء قصاد قرار دهد صورت می‌باید، بلکه از طریق تخریب خشونت‌آمیز خدمات عمومی و یا تجهیزات زیربنایی متعلق به یک جمع نیز اعمال می‌شود» (بیرو، ۱۳۷۰: ۴۲۶).

از دیدگاه جامعه شناسی وقتی در جوامع، وجود انواعی خدشه‌دار و در پی آن سطح اطاعت‌پذیری مردم از تعهدات اخلاقی و تعهدات دینی و مناسبات انسانی کاسته می‌شود، افراد به روش‌های خشونت‌آمیز گرایش پیدا می‌کنند. معمولاً به جوامعی که از وضع سنتی، به موضع مدرن گذار می‌کنند، دچار بحرانی ترین حالت تروریسم و شورش‌های اجتماعی مخصوصاً در میان گروه‌های جوان می‌شوند.

۴. رویکرد حقوقی

مهم‌ترین مشکل جامعه بین‌الملل، از منظر حقوقی، عدم اجماع بر تعریف تروریسم است. این مشکل از آنجا ناشی می‌شود که در تعاریف ارائه شده

مرز میان تروریسم و مبارزات مردم جهان برای گرفتاری حکومت‌های مستبد و نامشروع و بیرون راندن متداوزان از سرزمین‌های اشغال شده مشخص نشده است. حتی در مواردی که جامعه جهانی، عزم خود را بر ارائه تعریف جامعی از تروریسم و به رسمیت شناختن گونه‌هایی خاص از مقاومت مسلحانه در برابر دشمن اشغالگر اعلام نموده با مخالفت قدرت‌های جهانی روپرورد شده است.

نخستین کنوانسیون بین‌المللی درباره تروریسم در سال ۱۹۳۷ یعنی قبل از جنگ جهانی دوم به اعضاء رسید. کنوانسیون مبارزه با تروریسم، تعریفی از تروریسم ارائه می‌کند که می‌توان آنرا به عنوان اولین تعریف از تروریسم در حقوق بین‌الملل ارزیابی کرد. براساس این کنوانسیون، تروریسم «اقدامات جنایی علیه یک دولت با هدف ایجاد رعب و وحشت در شخصیت‌های خاص، گروهی از اشخاص یا عموم مردم است». این کنوانسیون گرچه هیچ گاه جنبه عملی به خود نگرفت، لکن پایه گذار مفاهیمی در قلمرو و تروریسم شد که تاکنون در حقوق بین‌الملل جزایی حفظ شده است.

همچنین کنوانسیون تعریف جرایم بین‌المللی در ماده ۲۴، تروریسم را چنین تعریف کرده است: «تروریسم روا دانستن اقداماتی است که دارای یک ماهیت برای ایجاد وحشت در اذهان عامه و گروه‌های انسانی است» (بوسا، ۱۳۷۸: ۲۰).

سازمان ملل در قطعنامه ۳۰۳۴ در تاریخ دوم نوامبر ۱۹۷۲ تحقیق و بررسی پیرامون تروریسم را ضروری دانست و در پی تصویب این قطعنامه سه کمیته ایجاد شد: ۱- کمیته تعریف تروریسم، ۲- کمیته موجبات تروریسم، ۳- کمیته طرح تدبیری برای جلوگیری از تروریسم. نتیجه این شد که کار کمیته‌ها به علت اختلاف نظر کشورها به نتیجه مورد نظر نرسید. در سال ۱۹۸۴ مجمع عمومی سازمان ملل در قطعنامه‌ای تروریسم را این گونه تعریف کرده است: «فعالیت محترمانه و خشونت‌آمیزی که گروه‌های

سازمان یافته برای ایجاد رعب و وحشت انجام می‌دهند تا به این ترتیب نیل به اهداف سیاسی را میسر سازند». بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر در آمریکا و به وجود آمدن اجماع جهانی در مبارزه با تروریسم، تلاش در جهت ارائه تعریفی جامع از تروریسم افزایش یافت و تعاریف متعددی از آن ارائه گردید.

علاوه بر آنچه گذشت تعاریف دیگری نیز ارائه شده است مانند: «کشن ناگهانی و غافل گیرانه، خشونت با هدف انها و ویرانی» (فرهیخته، ۱۳۷۷: ۲۸۴).

پس از بررسی تعاریف گذشته باید گفت که همه تعاریف‌های یاد شده به لحاظ منطقی، جامع و مانع نیستند و اگر تروریسم را به صورت زیر تعریف کنیم می‌توانیم اصول همه تعاریف را به نحوی جمع کنیم:

«تروریسم عبارت است از تسلی بـ زور و اقدامات خشونت آمیز همراه با ارعب و نالمنی با انگیزه‌ها و اهداف سیاسی یا غیر سیاسی که به طور پراکنده و مخفیانه انجام می‌پذیرد به گونه‌ای که عنوان دفاع مشروع بر آن قابل صدق نباشد».

اگر تعریف بالا را با اصطلاحات منطقی تجزیه و تحلیل کنیم می‌توان گفت که: «تسلی بـ زور و اقدامات خشونت آمیز» به منزله جنس این تعریف است. زیرا بر ترور و هم بر دفاع مشروع و هم بر جنگ‌های تجاوزکارانه قابل صدق است و بقیه جمله‌ها در ادامه، به منزله فصول تعریف است و وجهه تمایز تروریسم از مصادیق دیگر تسلی بـ زور را بیان می‌کند. با جمله «به طور پراکنده و مخفیانه» جنگ‌های رسمی از تحت تعریف خارج می‌شود، زیرا جنگ‌ها به طور منظم و آشکار انجام می‌گیرد و با جمله «عنوان دفاع مشروع بر آن قابل صدق نباشد» دفاع مشروع از تحت تعریف خارج می‌گردد (برجی، ۱۳۸۱: ۳۴).

۵. معادل واژه تروریسم در فرهنگ و حقوق اسلامی

ارائه معادلی برای ترور و تروریسم از فرهنگ و حقوق اسلامی نیز در زمرة دغدغه صاحب نظران اسلامی بوده است. بررسی تلاش‌های انجام شده در این زمینه نشان می‌دهد که تاکنون برای کلمه ترور، سه معادل ارائه شده است:

۱-۱. «فتک» این واژه در زمرة اصطلاحاتی است که در روایات و فرهنگ‌های ادبیات عرب، در معنای نزدیک به ترور آمده است. در لسان العرب «الفتك» به معنای شخصی آمده است که فردی را بی خبر و از سوی غفلت بکشد و نیز به معنای شخصی است که از غفلت فرد دیگر استفاده می‌کند و او را می‌کشد (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۷۷). بنابراین می‌توان ترور را متراffد لغوی کلمه فتك در ادبیات عرب دانست (میرزا، ۱۳۷۶: ۲۰۰).

علاوه بر این در روایات نقل شده از مصصومین نیز گاهی تعبیر فتك به کار رفته و پیشوایان دینی از انجام آن منع نموده‌اند: «الإيمان قيد الفتك» (کلینی، ۱۳۶۵: ۳۷۵) یعنی ایمان فتك را تقيید و منع می‌کند.

۲-۲. «اغتیال» نیز در زمرة اصطلاحاتی است که در ادبیات عرب دارای مفهومی نزدیک به ترور می‌باشد. اغتیال به معنای پنهانی و به شکلی که مقتول با خبر نشود کسی را از پای در آوردن آمده است. در برخی از فرهنگ‌های ادبیات عرب واژه «الغیله» به معنای فریب دادن و به ناگاه کشتن آمده است» (معلوم، ۱۹۹۸: ۵۶۴). از این رو «قتله غیله» به این معناست که فردی دیگری را فریب دهد و سپس او را به قتل برساند (دهخدا، ۱۳۳۴: ۴۲۲) بنابراین اغتیال در معنای نزدیک «به هلاک کردن، به ناگاه کشتن، با خدعاً کشتن، در پنهانی کشتن و فریب دادن» است.

۳-۳. «ارهاب» نیز در ادبیات عرب به معنای ترساندن و دچار هراس کردن است. به همین دلیل «الحكم الارهابی» به معنای نوعی از حکومت